



عشق و قدرت

ویژه نامه عراق

به مناسبت سی و چهارمین سالگرد

عملیات مرصاد و روز نیروی دریایی

از دهک هژار صمد روز سه

حماسه پیکان را هزار بار باید خواند

همه کار کردند و جان خود را هم دادند تا دست آلوده و پای نحس دشمن یعنی به دریا باز نشود؟ «ما چکار کرده ایم» این را دوست دارم از خیلی ها بپرسم، حتی از مسئولان خود ارتش و به ویژه نیروی دریایی، شما چکار کرده اید برای ثبت این حماسه، برای درس شدن این رزم بزرگ برای فرزندان این کشور بزرگ و چکار کرد صدا و سیما و سینما و... که وظیفه داشتند و دارند که برای مردم الگوسازی کنند. مگر صدا و سیما، خود را دانشگاه عمومی نمی داند، آن گونه که امام فرمود، پس چند واحد از این درس بزرگ را تدریس کرده است؟

راستی چکار کرده ایم؟ شرمند ام، شرمند امیر شهید همتی و یارانش، شرمند آن قهرمان شهیدی که برای هیچ هدفی بیش از ۳ گلوله هزینه نمی کرد.

شرمند کسانی که با خون خود، به خلیج فارس آبرویی جاودانه بخشیدند، شرمند خلیج فارس که هنوز در سوگ قهرمانان پیکان می گرید. شرمند قهرمانان سپند و جوشن و سبلان که تمام قد در برابر شیطان ایستادند، شهادت را انتخاب کردند اما پا از کارزار مبارزه رودرو با آمریکایی ها پس نکشیدند. ما شرمند ایم، شرمند همه شهدا، به ویژه نیروی دریایی که باید هزاران بار پیش از این درباره آن ها کار می شد و نشد. شرمند ایم حتی الان که قلم به دست گرفته ایم تا با ویژه نامه ای، نه ادای دین که ادای احترام کنیم به آنان والا دین آنان آنقدر سنگین است که شانه های تاریخ را هم می لرزاند. ما فقط ادای احترام می کنیم، به آنانی که دریا به احترامشان به موج برمی خیزد. این هم یادآوری است به اصحاب رسانه که کار برای حماسه سازان نیروی دریایی را جدی تر بگیرند و با بیان وقایع نبرد حماسه ای پیکان، به نسل های امروز و فردا بگویند چطور، دشمن توانست پا به دریا بگذارد و چه کسانی دست های ناپاک او را از دریا قطع کردند و...

حرف آخر، همان سخن آغازین است. جنگ، دفاع مقدس، فقط در زمین نبود، جبهه های هوایی و دریایی را هم بیشتر باید دید و بیشتر از آن باید گفت. این خود یک وظیفه است...

که هشت سال هم نمی تواند خود را به اهواز برساند، چه رسد به تهران. نمی تواند، آبادان را بگیرد، اما فاو و حلبچه و... را هم از دست می دهد. آری رزمندگان هوایی ما، دلاوران نیروی هوایی ارتش، با همه توان دشمن را در هم کوبیدند تا نتواند به اهداف خود برسد. اما این هم همه جنگ نیست. دفاع مقدس ما، حماسه های پرشمار دارد و از قضا کارترین بخش حماسه، نه در زمین و آسمان که در دریا شکل گرفته است، جایی که دریادلان قهرمان طی ۶۸ روز نیروی دریایی دشمن را به صفر رساندند و دریا را برای ایران اسلامی، امن کردند و چنان سیلی به صدام زدند که نتواند پا به دریا بگذارد. چه اگر می توانست، جبهه نبرد را تا همه شهرهای ما که مرز دریایی دارند هم گسترش می داد، حتی پا از خلیج فارس هم فراتر می گذاشت و خود را به دریای عمان می رساند، تا چابهار ما را هم به جبهه جنگ تبدیل کند. اگر راه به دریا می داشت، امکان مبادلات نفتی و بازرگانی ما را به شدت کاهش می داد. اگر پا به دریا داشت، جنایت ها را پرشماتر مرتکب می شد و عملاً بیشتر مناطق ایران را درگیر جنگ مستقیم می کرد. اگر راه به دریا داشت... اما، دلاوران نیروی دریایی ما به کمک قهرمانان نیروی هوایی، حماسه ای خلق کردند که دشمن را به پایان رساند و پایش را چنان از دریا بردند که از دست اندازی هر از گاهش از راه هوایی، نمی توانست، در مبادلات اقتصادی و نفتی ما خلل جدی وارد کند. آری، قهرمانانی همچون امیر دریادار شهید محمدابراهیم همتی و همزمانش، کاری کردند که پهنه آبی خلیج فارس ایرانی تراز همیشه بماند اما... اما از آنان حرفی به میان نیامده است، آن گونه که باید. فقط یک روز شد و بر پیشانی تقویم نشست و همین! حال آن که اگر حماسه ای چنین بزرگ در هر کشوری اتفاق می افتاد با ساختن فیلم ها و سریال ها آن را در نگاه مردم خویش و حتی مردم جهان جاودانه می کردند. اگر پیکان و دلاوری هایش در دیگر کشورها بود، فیلم ها می ساختند تا ما هم به تماشا بنشینیم و تحسین کنیم اما ما چکار کرده ایم؟ واقعاً چکار کرده ایم در برابر کسانی که

غلامرضا بنی اسدی - نام دفاع مقدس که پیش می آید، بحث جنگ که می شود، اولین ما به ازایی که در ذهن نقش می بندد، زمین است و خاکریز و سنگ و رزمندگانی که با کلاشینکف به دشمن هجوم می برند. این تصویر را هم بیشتر رسانه ها ساخته اند با فیلم ها و سریال ها و حتی با نقل خاطرات. کسی که جنگ را تجربه نکرده است همه رزمندگان را یا حاجی می بیند یا سید. حال آن که، آنچه به تصویر آمده است و تصورات ذهنی را ساخته است، فقط بخشی از دفاع مقدس است نه همه آن، تازه به جنگ زمینی هم که پرداخته می شود باز به ندرت دیده ایم جناب سروانی، سرگردی، سرهنگی، کسی که نشان از ارتش جمهوری اسلامی ایران داشته باشد، به چشم آید، این خود از موقف هایی است که باید خیلی ها را به پرسش گرفت و به چالش کشید که چرا، چنین؟ چرا دفاع مقدس را که حماسه ای ماندگار در تاریخ این ملک است آن گونه که باید معرفی نمی کنید؟ چرا نسل امروز که جنگ را از دریچه رسانه ها می بیند از امیران شهید آشناسان، اقارب پرست، نیایی، نصرافهانی و... حتی به اندازه یک تصویر، یک خط مطلب، شناختی ندارند؟ چرا؟...

بگذریم، جنگی که به ما تحمیل شد، ما مردانه برخاستیم، به جان ایستادیم و آن را به «دفاع مقدس» تبدیل کردیم، تنها در زمین نبود، بلکه آسمان و دریا هم عرصه جنگ شد و از قضا اگر آسمان و دریا را نداشتیم، شاید در زمین با مشکلات بیشتری مواجه می شدیم. دشمن آمده بود یک هفته ای در تهران جشن پیروزی بگیرد و این هم با همه بزرگ نمایی اش در برنامه هاشان بود، لاقل می خواستند خوزستان را بگیرند و ایران را فلج کنند اما، اما عقابان تیز پرواز نیروی هوایی و دلاوران هوانیروز ابابیل شدند بر سر لشکریان ابرهه یعنی که عزم کعبه اعتقادات و حرمت وطن موحدان کرده بود. بابایی، دوران، شیرودی، کشوری و... بمب مرگ بر سرشان باریدند و زمین را بر آن ها سد کردند. آنان اجازه مانور در زمین را ندادند و قدم به قدم دشمن را در هم شکستند تا دریابد نه یک هفته

